

جزوه قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی

هر کس:

— به موجب حکم دادگاه

— به دادن ← هر نوع مالی

— به دیگری محکوم شود

— و از اجرای حکم ← خودداری کند،

— هرگاه محکوم^{به} ← *عین معین* باشد

— آن مال اخذ ← و به محکوم^{له} تسلیم می شود

1- و در صورتی که ردّ عین ممکن نباشد

2- یا محکوم^{به} عین معین نباشد

—، اموال محکوم^{علیه} با رعایت مستثنیات دین و مطابق قانون اجرای احکام مدنی

— و سایر مقررات مربوط، توقیف و از محل آن حسب مورد

— محکوم^{به} یا مثل یا قیمت آن استیفاء می شود

مرجع اجراء کننده رأی

1-، اعم از قسمت اجرای دادگاه صادرکننده اجرائیه

2- یا مجری نیابت،

— مکلف است به تقاضای  محکوم له

— از طرق پیش‌بینی شده در این قانون

— و نیز به هر نحو دیگر که قانوناً ممکن باشد،

— نسبت به شناسایی اموال محکوم علیه

— و توقیف آن به میزان محکوم به اقدام کند

تبصره —

— در موردی که محکوم به عین معین بوده

— و محکوم له شناسایی و تحویل آن را تقاضا کرده باشد نیز

— مرجع اجراء کننده رأی مکلف به شناسایی و توقیف آن مال است

اگر استیفای محکوم به :

از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد

محکوم علیه ← به تقاضای ← محکوم له

- 1- تا زمان اجرای حکم
2- یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او
3- یا جلب رضایت محکوم له
- حبس می شود.

چنانچه محکوم علیه

تا سی روز ← پس از ابلاغ اجرائیه،

ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود

، دعوی اعسار فویش را اقامه کرده باشد ← حبس نمی شود.

– مگر اینکه دعوای اعسار :

1– مسترد

2– یا به موجب حکم قطعی رد شود

تبصره ۱–

– چنانچه محکوم علیه فارغ از مهلت مقرر در این ماده،

– ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود،

– دعوای اعسار خود را اقامه کند،

1– هرگاه محکوم له آزادی وی را ← بدون اخذ تأمین بپذیرد

2– یا محکوم علیه به تشخیص دادگاه

– کفیل یا وثیقه معتبر و معادل محکوم به ارائه نماید

–، دادگاه با صدور قرار قبولی وثیقه یا کفیل

– تا روشن شدن وضعیت اعسار

– از حبس محکوم علیه خودداری

- و در صورت حبس، او را آزاد می‌کند.

- در صورت ردّ دعوی اعسار به موجب حکم قطعی، :

- به کفیل یا وثیقه گذار ابلاغ می‌شود

- که ظرف مهلت **بیست روز** پس از ابلاغ واقعی

- نسبت به تسلیم محکوم علیه اقدام کند.

- در صورت عدم تسلیم ظرف مهلت مذکور

- حسب مورد به دستور:

1- دادستان

2- یا رئیس دادگاهی که حکم تحت نظر آن اجراء می‌شود

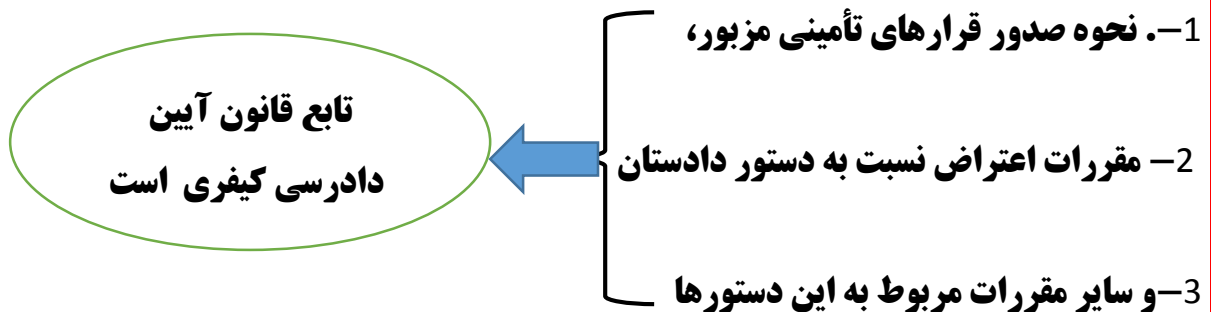
- نسبت به استیفای محکوم به

- و هزینه های اجرائی

- از محل وثیقه یا وجه الكفاله اقدام می‌شود.

—در این مورد دستور دادگاه ظرف مهلت ده روز

—**پس از ابلاغ واقعی** قابل اعتراض در دادگاه تجدید نظر است



تبصره ۲-

1- مقررات راجع به تعویق

2- و موانع اجرای مجازات حبس

- در خصوص کسانی که به استناد این ماده حبس می‌شوند نیز مجری است

چنانچه به موجب ماده (۳) این قانون:

1- محکوم علیه ميس شده

2- يا مستحق ميس باشد.

- هرگاه مالی معرفی کند

- و يا با رعايت مستثنیات دين مالی از او كشف شود

- به نمری كه طبق نظر كارشناس (رسمی) مال مزبور :

1- تكافوی محكوم به

، حبس نخواهد شد و اگر در حبس باشد آزاد می گردد.

2- و هزینه های اجرائی را نماید

- در این صورت مال معرفی یا كشف شده را:

1- مرجع اجراءكننده رأی توقیف می كند

2- و محكوم به از محل آن استيفاء می شود

قوه قضائیه مکلف است :

– افرادی را که به استناد ماده (۳) این قانون حبس می‌شوند

– جدای از محکومان کیفری نگهداری

– و با همکاری دولت (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی)

– زمینه انجام فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزا را

– برای محبوسان متقاضی کار فراهم کند.

– شیوه نگهداری، به‌کارگیری، پرداخت و هزینه‌کرد اجرت این اشخاص

– مطابق آیین‌نامه‌ای است که به‌وسیله

– سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

– و با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهیه می‌شود

– و ظرف سه ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون

به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد

معسر کسی است که:

- به دلیل نداشتن مالی به جز مستثنیات دین،

- قادر به تأدیه دیون خود نباشد.

تبصره -

- عدم قابلیت دسترسی به مال ← در حکم نداشتن مال است.

- اثبات عدم قابلیت دسترسی به مال ← **بر عهده مدیون است**

در مواردی که:

1- **وضعیت سابق مدیون** ← دلالت بر ملأئت وی داشته

2- یا مدیون در عوض دین، مالی دریافت کرده

3- یا به هر نحو تحصیل مال کرده باشد

- **مگر اینکه ثابت کند:**

الف- آن مال تلف حقیقی یا حکمی شده است در این صورت

ب- و نیز در مواردی که مدیون در عوض دین،

- مالی دریافت نکرده یا تحصیل نکرده باشد

اثبات اعسار بر عهده اوست

– هر گاه خواننده دعوای اعسار نتواند:

1- ملائت فعلی یا سابق او را ثابت کند

2- یا ملائت فعلی یا سابق او نزد قاضی ممرز نباشد

– ادعای اعسار ← با سوگند مدیون

– مطابق تشریفات مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی پذیرفته می شود

مدعی اعسار باید:

– صورت کلیه اموال خود

– شامل تعداد یا مقدار و قیمت ← کلیه اموال منقول و غیر منقول،

– به طور مشروح، مشتمل بر

1– میزان وجوه نقدی که وی

– به هر عنوان نزد بانکها و یا مؤسسات مالی و اعتباری ایرانی و خارجی دارد،

– به همراه مشخصات دقیق حسابهای مذکور

2– و نیز کلیه اموالی که او به هر نحو ← نزد اشخاص ثالث دارد

3– و کلیه مطالبات او ← از اشخاص ثالث

4– و نیز فهرست نقل و انتقالات

5- و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور

از زمان ← یک سال قبل از ← طرح دعوای اعسار ← به بعد را

— ضمیمه دادخواست اعسار خود کند.

— در مواردی که:

1- بار اثبات اعسار بر عهده مدیون است

2- و نیز در مواردی که سابقه ملأئت او اثبات شده باشد

— هرگاه مدیون بخواهد ادعای خود را با شهادت شهود ثابت کند:

— باید **شهادتنامه کتبی** حداقل دو شاهد را

— به مدتی که بتوانند نسبت به

— وضعیت معیشت فرد اطلاع کافی داشته باشند

— به دادخواست اعسار خود ضمیمه نماید.

— شهادتنامه مذکور باید علاوه بر هویت و اقامتگاه شاهد

—، متضمن منشأ اطلاعات و موارد مندرج در ماده (۹) این قانون باشد

شاهد باید علاوه بر :

1- هویت،

2- شغل،

3- میزان درآمد

4- و نحوه قانونی امرار معاش ← مدعی اعسار

5-، به این امر تصریح کند که با مدیون به مدتی که بتواند:

— نسبت به وضعیت معیشت وی اطلاع کافی داشته باشد، معاشرت داشته

— و او افزون بر مستثنیات دین هیچ مال قابل دسترسی ندارد

— که بتواند به وسیله آن دین خود را بپردازد

پس از ثبت دادخواست اعسار :

- دادگاه مکلف است فوراً

- با استعلام از مراجع ذی ربط

- و به هر نحو دیگر که ممکن باشد

- نسبت به بررسی وضعیت مالی محکوم علیه

- جهت روشن شدن اعسار یا ایسار او اقدام کند.

در صورت ثبوت اعسار :

- چنانچه مدیون ← متمکن از پرداخت ← به نحو اقساط شناخته شود

-، دادگاه ضمن صدور حکم اعسار:

1- با ملاحظه وضعیت او مهلت مناسبی برای پرداخت می دهد

2- یا حکم تقسیط بدهی را صادر می کند.

- در تعیین اقساط باید:



1- میزان در آمد مدیون

2- و معیشت ضروری او لحاظ شده

3- و به نحوی باشد که او توانایی پرداخت آن را داشته باشد

تبصره ۱-

1- صدور حکم تقسیط محکوم به

2- یا دادن مهلت به مدیون،

مانع استیفای بخش اجراء نشده آن

از اموالی که از محکوم علیه به دست می آید می آید

- یا مطالبات وی نیست

تبصره ۲-

- هر يك از محکوم له یا محکوم علیه:

- می توانند ← با تقدیم دادخواست،

- تعدیل اقساط را از دادگاه بخواهند.

— دادگاه با عنایت به:

—نسبت به تعدیل میزان

اقساط اقدام می کند

1- نرخ تورم براساس اعلام مراجع رسمی قانونی کشور

2- یا تغییر در وضعیت معیشت و در آمد محکوم علیه

اگر دعوای اعسار ردّ شود:

— دادگاه در ضمن حکم به **ردّ دعوای**

— **مدعی اعسار را** به پرداخت خسارات وارد شده

— بر خوانده دعوای اعسار

— مشروط به درخواست وی {خوانده دعوای اعسار} محکوم می کند

دعوای اعسار :

— در مورد محکوم به:

— و به طرفیت محکوم له

اقامه می شود

1- در دادگاه نخستین رسیدگی کننده به دعوای اصلی

2- یا دادگاه صادر کننده اجرائیه

—دعوی اعسار غیر مالی است

— و در مرحله بدوی و تجدید نظر ← خارج از نوبت رسیدگی می شود

— از تاجر

دادخواست اعسار

— و اشخاص حقوقی

پذیرفته نمیشود

— این اشخاص در صورتی که مدعی اعسار باشند :

— باید رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کنند

تبصره —

— اگر دادخواست اعسار :

— دادگاه بدون اخطار به خواهان

— قرار رد دادخواست وی را
صادر می کند

1— از سوی اشخاص حقوقی

2— یا اشخاصی که تاجر بودن آنها نزد دادگاه مسلم است طرح شود

هرگاه محکوم علیه :

—در صورت اموال خود موضوع مواد (۳) و (۸) این قانون،

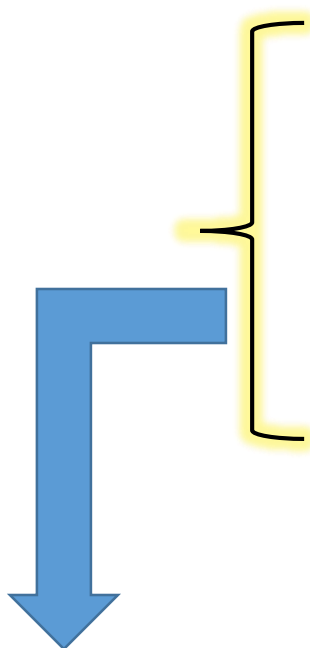
—به منظور فرار از اجرای حکم

الف — از اعلام کامل اموال خود

—مطابق مقررات این قانون خودداری کند

ب— یا پس از صدور حکم اعسار معلوم شود

—پرخلاف واقع خود را معسر قلمداد کرده است



1- دادگاه ضمن حکم به رفع اثر از حکم اعسار سابق

2- محکوم علیه را به حبس تعزیری درجه هفت محکوم خواهد کرد

دادگاه رسیدگی کننده به اعسار :

– ضمن صدور حکم اعسار،

– شخصی را که با هدف  فرار از پرداخت دین

– مرتکب تقصیر شده است

– تا موجب اعسار وی گردد

– با توجه به

– میزان بدهی، نوع تقصیر، تعدد و تکرار آن

– به مدت شش ماه تا دو سال

– به یک یا چند مورد از محرومیت های زیر محکوم می کند:

۱– ممنوعیت خروج از کشور

۲– ممنوعیت تأسیس شرکت تجاری

۳– ممنوعیت عضویت در هیأت مدیره شرکتهای تجاری

۴– ممنوعیت تصدی مدیرعاملی در شرکتهای تجاری

۵– ممنوعیت دریافت اعتبار و هرگونه تسهیلات به هر عنوان از بانکها و مؤسسات مالی و

اعتباری عمومی و دولتی به جز وامهای ضروری

۶– ممنوعیت دریافت دسته چک

هرگاه پس از صدور حکم اعسار ثابت شود،

1- از مدیون رفع عسرت شده

2- یا مدیون برخلاف واقع خود را معسر قلمداد کرده است

، به تقاضای محکوم له،:

1- محکوم علیه ← تا زمان اجرای حکم

2- یا اثبات حدوث اعسار

3- یا جلب رضایت محکوم له

حبس خواهد شد

۱- در این مورد نیز مفاد مواد (۴) و (۵) این قانون مجری است.

۲- این حکم در مورد مدیونی که به موجب ماده (۱۱) این قانون:

4- برای پرداخت دین او مهلت مناسب تعیین شده

۳- یا بدهی او تقسیط گردیده

۴- و در زمان مقرر دین خود یا اقساط تعیین شده را نپرداخته است نیز مجری است

مرجع اجراء کننده رأی

محکوم‌له



- باید به درخواست

- به بانک مرکزی دستور دهد

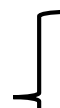
- که فهرست کلیه حسابهای محکوم‌علیه

- در بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری را

- برای توقیف به مرجع مذکور تسلیم کند.

- همچنین دادگاه باید به درخواست :

1- محکوم‌له



2- یا خوانده دعوی اعسار

- به مراجع ذی ربط از قبیل:

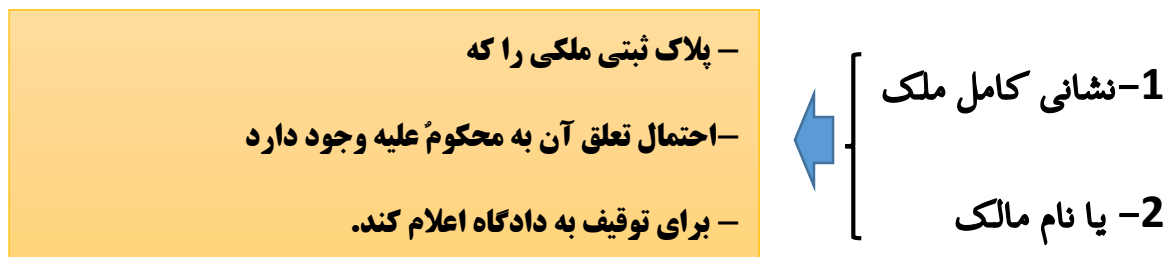
دستور دهد



الف- ادارات ثبت محل

ب- و شهرداریها

- که براساس :



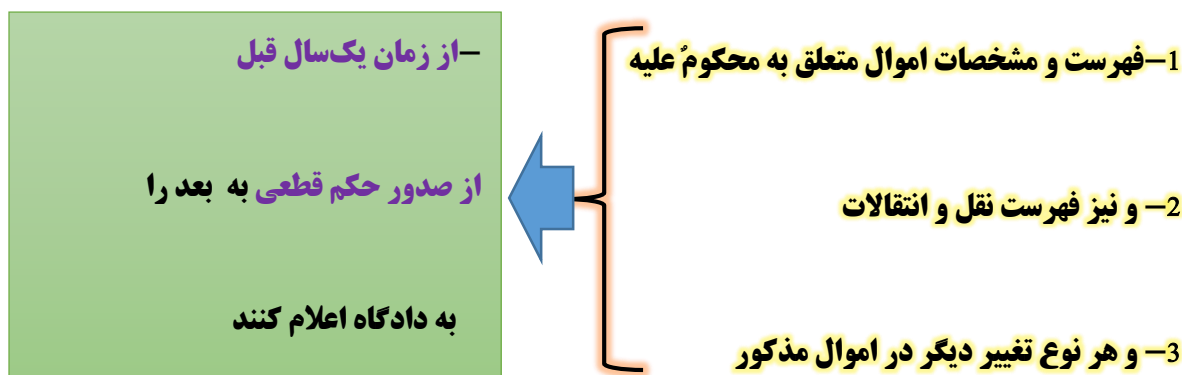
- این حکم در مورد تمامی مراجعی که به هر نحو:

- اطلاعاتی در مورد اموال اشخاص دارند نیز مجری است

تبصره ۱-

- مراجع مذکور در این ماده مکلفند

- به دستور دادگاه



تبصره ۲-

- مفاد این ماده در مورد اجرای قرارهای تأمین خواسته

- موضوع ماده (۱۰۸) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی

- مصوب ۲۱/۱/۱۳۷۹ و نیز اجرای مفاد اسناد رسمی مجری است

هر يك از مدیران یا مسؤولان مراجع مذکور در ماده (۱۹) این قانون:

- که به تکلیف مقرر پیرامون

- شناسایی اموال اشخاص حقیقی و حقوقی عمل نکند

- به انفصال درجه شش از خدمات عمومی و دولتی محکوم می شود.

- این حکم در مورد مدیران و مسؤولان کلیه مراجعی که

- به هر نحو اطلاعاتی در مورد اموال اشخاص دارند

- و مکلفند اطلاعات خود مطابق ماده مذکور را

- در اختیار قوه قضائیه قرار دهند نیز

- در صورت عدم اجرای این تکلیف مجری است

انتقال مال به دیگری :

- به هر نحو ← به وسیله مدیون
- با انگیزه ← فرار از ادای دین
- به نحوی که باقیمانده اموال ← برای پرداخت دیون کافی نباشد،
- موجب حبس تعزیری یا جزای نقدی ← درجه شش
- یا جزای نقدی معادل ← نصف محکوم به
- یا هر دو مجازات می شود
- و در صورتی که منتقل آیه نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد:
- در حکم شریک جرم است.
- در این صورت ← عین آن مال
- و در صورت تلف یا انتقال، ← مثل یا قیمت آن از اموال انتقال گیرنده
- به عنوان جریمه اخذ
- و محکوم به از محل آن استیفاء خواهد شد

کلیه محکومیت‌های مالی

1- از جمله دیه،

2- ضرر و زیان ناشی از جرم،

3- رد مال و اموال آنها

- **جز** محکومیت به  پرداخت جزای نقدی  ، مشمول این قانون خواهند بود

مرجع اجراءکننده رأی باید به تقاضای محکوم‌له 

- قرار ممنوع الخروج بودن  محکوم‌علیه را  صادر کند.

1 - اجرای رأی

2 - یا ثبوت اعسار محکوم‌علیه

3- یا جلب رضایت محکوم‌له

4- یا سپردن تأمین مناسب

5- یا تحقق کفالت مطابق قانون

این قرار

تأزمان

به قوت خود باقیست

تبصره - درخصوص سفر واجب که وجوب آن از قبل ثابت شده باشد

- و سفرهای درمانی ضروری، دادگاه موقتاً به محکوم‌علیه اجازه خروج از کشور را می‌دهد

الف - منزل مسکونی که عرفاً در شأن محکوم علیه در حالت اعسار او باشد

ب - اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوائج ضروری محکوم علیه و افراد

تحت تکفل وی لازم است

ج - آذوقه موجود به قدر احتیاج محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی برای مدتی

که عرفاً آذوقه ذخیره می شود

:

د - کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق متناسب با شأن آنها

هـ - وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه وران، کشاورزان و سایر اشخاص که برای

امرار معاش ضروری آنها و افراد تحت تکفلشان لازم است

و - تلفن مورد نیاز مدیون

ز - مبلغی که در ضمن عقد اجاره به موجر پرداخت می شود، مشروط بر اینکه پرداخت اجاره بها بدون

آن موجب عسر و حرج گردد و عین مستأجره مورد نیاز مدیون بوده و بالاتر از شأن او نباشد

تبصره ۱-

- چنانچه منزل مسکونی محکوم علیه:

1- بیش از نیاز و شأن عرفی او در حالت اعسارش بوده

2 - و مال دیگری از وی ← در دسترس نباشد

3- و مشارالیه حاضر به فروش منزل مسکونی خود

- تحت نظارت مرجع اجراء کننده رأی نباشد

↓
- به تقاضای محکوم له ← به وسیله مرجع اجراء کننده حکم

- با رعایت تشریفات قانونی به فروش رفته

- و مازاد بر قیمت منزل مناسب عرفی ← صرف تأدیه دیون محکوم علیه خواهد شد

- مگر اینکه استیفاء محکوم به به طریق سهل تری

1- مانند استیفاء از محل منافع بخش مازاد منزل مسکونی محکوم علیه

2- یا انتقال سهم مشاعی از آن به شخص ثالث یا طلبکار امکان پذیر باشد

- که در این صورت محکوم به از طرق مذکور استیفاء خواهد شد

تبصره ۲-

— چنانچه به حکم قانون **مستثنیات دین** ← تبدیل به عوض دیگری شده باشد

—، مانند اینکه **مسکن** به دلیل قرار گرفتن در **طرحهای عمرانی** ← تبدیل به وجه گردد،

— یا در اثر از بین رفتن، ← عوضی دریافت شده باشد،

— وصول محکوم به از آن امکان پذیر است

— مگر اینکه محرز شود **مدیون** ← **قصد تهیه موضوع نخستین را دارد**

چنانچه منشأ دین :

1- قرض

2- یا در اختیار گرفتن اموالی از دیگران به موجب هر قرارداد دیگری باشد

— و محکوم علیه از بدو امر قصد



1- عدم تأدیه دین



2- یا تبدیل آن به یکی از مستثنیات دین به منظور فرار از تأدیه را داشته باشد،

الف- هر مالی که در عوض اموال مذکور فریداری کرده

- به عنوان جریمه اخذ

و محکوم به از محل آن استیفاء

- و مابقی به وی مسترد خواهد شد

ب- یا به موجب سایر عقود به ملکیت خود درآورد

احکام مندرج در این قانون

- جز احکام راجع به :

1- حبس محکوم علیه،

2- اعسار

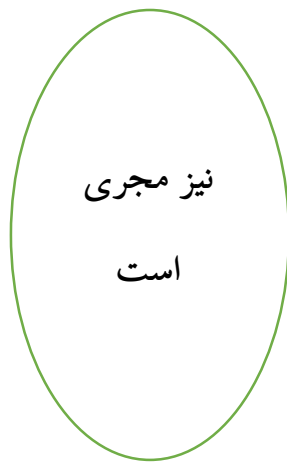
3- مستثنیات دین

- حسب مورد در مواردی که محکوم علیه شخص حقوقی باشد نیز مجری است

- و نسبت به مدیران و مسؤولان متخلف اشخاص حقوقی

- مطابق قانون مجازات اسلامی عمل می شود

مقررات این قانون در مورد:



1- گزارش‌های اصلاحی مراجع قضائی

2- و آرای مدنی سایر مراجعی که به موجب قانون،

- اجرای آنها بر عهده اجرای احکام مدنی دادگستری است

3- و همچنین آرای مدنی تعزیرات حکومتی

تبصره - محکومیت‌های کیفری سازمان تعزیرات حکومتی تابع مقررات حاکم بر اجرای احکام کیفری دادگاهها

است

از طرف یت بنده خدا

